

تحریم سپاه

نشانه تضعیف کیست؟

محسن صادق

۱۵ سال قبل که آمریکا به عراق لشکر کشیده بود، هر هواپیمایی توی آسمان می‌دیدم می‌گفتم این هواپیمای امریکاست و چند تا بمب و موشک روی سرمان می‌ریزد. خوب یادم هست که خیلی نمی‌ترسیدم، اما راستش خودم هم نمی‌دانم چرا! شاید من هم مثل بقیه هم‌وطنان همیشه در صحنه بودم که نه سیل و نه حتی تیراندازی داعش در مجلس نتوانسته از صحنه دورشان کند...

آن‌طور که خود سیاست‌پویان می‌گویند بعضی هاشان نگران حمله آمریکا به ایران بودند، حتی بعضی که همیشه آماده‌ی مذاکرات برد-برد هستند دنبال راهکارهای پیش‌دستانه دیپلماتیک می‌گشتند تا مبادا...

اما نظر رهبری چیز دیگری بوده و هست. تحلیل ایشان حاکی این نکته است که حضور مستقیم ارتش آمریکا در منطقه به دلیل محقق نشدن خواسته‌های امریکاست؛ یعنی نفوذ و دخالت و ترور نتوانسته آنچه آمریکا می‌خواهد را رقم بزند و این نشانه افول امریکاست.

البته موضوع ما لشکرکشی‌های آمریکا و آنچه به ارث گذاشت نیست، حتی نمی‌خواهیم فرار آمریکا از منطقه را نشانه بعدی افولش بدانیم.

صحبت ما تروریست خواندن سپاه است که اصلاً چیز جدیدی نیست!

آمریکایی‌ها سال ۲۰۰۷ سپاه قدس را در لیست تروریست‌ها قرار داده‌اند. آن روزها درصد بسیار کمی از مردم ایران اسم سپاه قدس را شنیده بودند اما بعد از ۱۲ سال شرایط بسیار متفاوت است. سپاه قدس نه تنها محدود نشده، بلکه میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری روی ابر پروژه داعش را نابود کرده و سرنوشت چند ملت را مستقیم و غیرمستقیم تغییر داده و فرمانده آنش محبوب‌ترین شخصیت ایران است.

مهم‌تر از نتیجه دوازده سال تحریم، زمینه تحریم سپاه قدس است، احتمالاً تا سال ۲۰۰۷ سپاه قدس در عراق و افغانستان آمریکایی‌ها را بیچاره کرده بوده و این تحریم و تروریستی خواندن چیزی جز فریاد بعد از سوختن نبوده و امروز هم زمینه تحریم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مهم‌تر از اثرات و نتایج آن است.

سپاهی که عمده فعالیتش داخل مرزهای ایران و سازندگی بوده و هر جا گوشه بار انقلاب بر زمین بوده شانه زیر بار داده چرا باید تحریم شود؟ راستی، ساختن موشک و پهپاد کدام خیال را ناراحت کرده؟

چه کسی از چند برابر شدن تولیدات پتروشیمی و تولید بتزین ضرر کرده؟

تیر تحریم چه کسی به سنگ خورده؟

حیله کدام شیطان درهم‌پیچیده؟

و کدام کودک مشت و لگد خورده است که بعد از دعوا بقیه دریده‌اش را صاف می‌کند و فحش می‌دهد؟

چند نکته درباره مدیریت سیل!

سیل‌زده بیبوند. ایراد گرفتن از کار دستگاهها و افراد حاضر در وسط میدان، خوب است، ولی از سوی کارشناسان و رسانه‌ها؛ نه از سوی فردی که خودش به سفر کاری (!) و فشرده (!) در جزیره قشم رفته است! نه از سوی کسی که مسؤول اصلی سامان دادن به بحران هاست و در بحران‌ها ناپیدا!

مسئولان باید به جای خیابان کشیدن در پیاده‌رو، مسائل اختلافی در زمینه مدیریت بحران را در جلسات حل کنند نه جلوی دوربین رسانه‌ها. آنگاه ما هم باور خواهیم کرد که دولت مدیریت بحران دارد و نه بحران مدیریت! موضوع دوم؛ نگاه تخصصی به مساله سیل اخیر و خسارات ناشی از آن است.

آسیب‌شناسی و ریشه‌یابی نکردن سیلاب می‌تواند از خود آن مخرب‌تر باشد، چرا که خسارت سیل‌های آینده را هم به خسارات فعلی اضافه خواهد کرد و دوباره تمام مناطق بازسازی شده را با خود خواهد برد. دولت باید به سازمان‌های تخصصی مانند سازمان زمین‌شناسی، پژوهشکده حفاظت خاک و آب‌خیزداری و... ماموریت فوری بدهد تا عوامل دخیل را شناسایی کرده و پیش از شروع جدی بازسازی مناطق سیل‌زده نتایج خود را در هر استان به صورت عمومی منتشر کنند.

در صحنه عمل اما هم‌اکنون تلاش متراکمی در حال انجام است. از حضور چشمگیر نیروهای ارتش، سپاه و بسیج که چهره برخی شهرها را یکدست نظامی کرده است تا حرکت انبوه گروه‌های جهادی به مناطق سیل‌زده.

نیست و البته هر دولتی هم که بخواهد کاری کند باید بداند که بحران نیاز به مدیریت بحران و اقام جهادی دارد و مرد در صحنه می‌خواهد! رئیس دولتی می‌خواهد که از بقیه جلوتر در حل بحران کوشا باشد و اختلافات و حاشیه‌ها را کم کند نه حاشیه‌افکن باشد!

ما مردم هم هر کس ولو شده ۵۰۰۰ تومان باید به سیل‌زدگان کمک کنیم و این کمک را هم بدیمیم دست سازمان‌های مسؤول، نه هیچ کس دیگری! هلال‌احمر و کمیته امداد بهترین جایی است که اگر فرصت حضور جهادی در مناطق سیل‌زده نداریم، می‌توانند با پول ولو اندک ما به داد مردم برسند.

خبر مهم‌تر اما این است که آسمان ظاهراً هنوز خیال خفتن ندارد و تا انتهای نیمه اول اردیبهشت همچنان خواهد بارید. بر همین اساس، کارشناسان از تداوم وضعیت فعلی خوزستان تا حداقل ۲۰ روز آینده خبر می‌دهند و این یعنی اینکه آسمان هی باربار و دبی دز و کرخه هی سیلابی باشد. مساله شاید در لرستان هم به همین منوال پیش برود. نیروهای جهادی حاضر در پلدختر از نگرانی‌شان بابت بارش روزهای آینده می‌گویند و این یعنی آنکه دامنه بحران ممکن است باز هم گسترده‌تر شود. در این شرایط چه باید کرد؟! مساله اول و فوری طبعاً همان است که اول گفتم. اینکه هر کسی به جای گیر دادن به آن انفجارهایی که خبر دارید(!) به صف کمک به هموطنان

به سیل‌های اخیر کشور می‌توان از چند منظر مختلف نگاه کرد. یک منظر همین است که هوای نازنین قشم را در این فصل سال از دست ندهیم و برویم جنوب. بعد چند روز غیبت هم بیاییم پشت تریبون که بله! آن انفجارها را که خبر دارید، خیلی الکی بود و فقط آب را از اینجا برد به آنجا! معاون اولی هم که قبلاً گفته قدرت برکناری منشی‌ام را ندارم، اگر به جای ما در این غیبت ۵ روزه، استاندار فرنگ‌رفته را برکنار کند، به هیچ جا بر نمی‌خورد و خبا! دستش هم درد نکند! نگاه دوم هم این است که بگویی موبک‌های اربعین حسینی به مدت یک ماه در لرستان، خوزستان و سایر مناطق سیل‌زده فعال شوند؛ البته که قبل گفتن حاج قاسم هم فعال شده بودند برخی! و سواى موبک‌ها، هزاران بسیجی، سپاهی، ارتشی و نیروی مردمی به کمک سیل‌زدگان و دستگاه‌های دولتی رفته بودند! حضور آقای جهانگیری در مناطق سیل‌زده البته اقدام خوب و دلگرم‌کننده‌ای بود، به شرط اینکه پرداخت خسارت سیل‌زدگان به سرنوشت قول و قرارهای سال ۹۵ دولت به مردم سیل‌زده خوزستان دچار نشود! تصمیم به گسیل کردن هر وزیر به یک استان سیل‌زده برای هدایت جریان امور هم اگر اجرایی شود، خوب است. حجم خسارت سیل اما بیش از حد تصور است و لزوم کمک‌های مردمی بیش از هر وقت دیگری احساس می‌شود. عملکرد دولت اگر چه شایسته تقد است، ولی باید بدانیم در چنین بحرانی، هیچ دولتی به تنهایی قادر به حل مساله

عید میلاد حضرت سیدالشهدا (ع) و روز پاسدار مبارک باد.

عنوان پاسدار یادگار روزهای افتخار برای همه دوران تاریخ مادر آینده و یادگار لحظه‌های حساس این انقلاب است که اگر پاسدار نبود هیچ چیز نبود و هیچ چیزی نمی‌ماند...

امروز شیطان بزرگ نفهمید که با تحریم سپاه، تنها ضعف خودش را نشان می‌دهد، اما جهانیان خواهند فهمید، ما همیشه عطریم بگوییید به سنگ ...

عید میلاد حضرت سیدالشهدا (ع) و روز پاسدار مبارک باد.

شیرخوان: ناصر رفیعی

بری‌گری: رسالت بوذر

مترجم: حاج آقا نادری

مولودی خوانی: حمید محمدعلی

جشن بزرگ نیمه شعبان

۲۷ فروردین ساعت ۱۸:۰۰

تالار ابریشم سیاه

راهنمایه پزشکی

جامانده از یاران

هستی

همه گویند این جمعه بیا، اما درنگی کن از اینکه باز عاشورا شود تکرار میترسم
(مقام معظم رهبری)

گاهی اوقات تکرار گذشته آرزوی ماست، این که برگردیم به دوران کودکی، برگردیم به زمانی که اتفاقات خیلی شیرینی برامون افتاده. گاهی اوقات دوباره به یاد اون روزها جشن می گیریم ولی...

همیشه تکرار تاریخ زیبا نیست.

تکرار شدن صحنه عاشورا زیبا نیست.

زیبا نیست که مهدی بیاید و تو اولویت را تشخیص ندی. تو میخواهی یاری باشی که از تاریکی محفل برای دیده شدن استفاده می کند یا کسی که تاریکی را وسیله ای برای فرار قرار می دهد؟ میخواهی عباس باشی و تا آخرین نفس برای امامت باشی یا کسی که آسیب جان تو را از رهبرت جدا می کند؟!

همه ما علاقه داریم بار حقیقی امام زمانمان باشیم ولی آنچه در این مسیر مهم تر است گام برداشتن در این مسیر نیست، در مسیر ماندن است...

تو میخواهی در این مسیر عباس باشی و با یک دست ت صحنه را اداره کنی یا میخواهی زبیر باشی و بعد از همراهی فاطمه زهرا سلام الله علیها در جنگ جمل روبه روی علی بایستی؟!!

میخواهی کسی باشی که تا سرزمین کربلا تا پای جان، در کاروان حق ماند یا کسی که از کاروان جاماند؟! کسانی با حسین ماندند که برداشتن بیعت، آن ها را از دنیا آزاد کرده کسانی که برداشتن بیعت غل و زنجیر دنیا را به پایشان آویخت...

اما چه شد که از یاران جامانند و در مقابل امامشان ایستادند؟! چه می شود که از یاران جامی مانیم و در مقابل اماممان می ایستیم؟!!

لزوما این افراد از اول آدم های بدی نبودند، مثل زبیر و... "اما این انحراف از کجا شروع می شود؟! از آنجا که فکر کنی بیش تر از ولایت می فهمی، کم کم خط خود را جدا می کنی، ولایت گریزی منشا انحراف است. به یقین روزی که آتش به در خانه حضرت زهرا سلام الله علیها بردند، نقشه قتل حسین علیه السلام ریخته شد. عقابت ولایت گریزی از ولایت علی علیه السلام این شد که بعد از پنجاه سال فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله به مسلخ کربلا رفت و نه به دست کفار بلکه به دست مسلمانان و حتی شیعیان...

وقتی حضرت زینب سلام الله علیها را، عصر یازدهم محرم از کنار شهدا عبور دادند این گونه خطاب به برادرش حسین علیه السلام فرمود: سلام بر کسی که لشکرش را در روز دوشنبه تارومار کردند. حال آنکه روز عاشورا دوشنبه نبود! بلکه دوشنبه روز شهادت رسول اکرم بوده است. زینب کبری این نکته را یادآوری می کند، آن روزی که مردم بعد از پیامبر از ولایت امیرالمومنین سرباز زدند، روزی بود که نقشه قتل حسین را ریختند.

اگر ولایت تنها شد، حسین ها به مسلخ شهادت می روند، یزید صفت هایی مثل عبیدالله بن زیاد حاکم می شوند. این ها حاکم می شوند تا مردم عقابت تنها گذاشتن امام زمانشان را بفهمند." (برگرفته از کتاب جای خالی عباس)

همیشه کسانی تا آخر می مانند که به راهشان ایمان و معرفت داشته باشند. مومن حقیقی مانند کوه استوار است. امام صادق علیه السلام در مورد یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرمایند: یاران مهدی مردانی پولاددل هستند، با ایمانی راسخ، طوفان های حوادث آن ها را تکلن نمی دهد. پس برای این که یار امام زمان خود باشیم گویمان را درست انتخاب کنیم.

عباس گونه باشید تا حسین بیاید.

جهادی می مانیم

خدمت رسانی بسیجیان قرارگاه جهادی رویش های انقلاب اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تهران به هموطنان سیل زده شهرستان پلدختر

تیم درمان قرارگاه به دلیل خرابی پل و قطعی ارتباط با روستاها از طریق سیم راپل و با عبور از راه های صعب العبور ابتدا به سراغ درمان عشایر در کوه رفتند. اقدامات قرارگاه جهادی در زمینه درمان و سلامت:

روستای کیان آباد حدود ۱۰۰ نفر

روستای پیران پرویز حدود ۲۵۰ نفر

روستای تیمور آباد حدود ۱۰۰ نفر

اعم از زن و مرد و به ویژه کودکان ویزیت شدند.



جوان گرایی در شرایط کنونی کشور تنها یک شعار نیست

م. داودنیا

"به جوانان عزیز آینده ساز در زمینه عدالت صریحا میگویم آنچه تا کنون شده و آنچه باید میشده و بشود دارای فاصله ای ژرف است. جوانان عزیز سرار کشور بدانند همه ی راه حل های اقتصادی در داخل کشور است و مشکل تنها تحریم نیست پس راه حل زانو زدن در برابر دشمن و بوسه بر پنجه گرگ خطای نابخشودنی است." مقام معظم رهبری (سنته)

استفاده از تجربیات گذشته از مواردی است که در گام دوم انقلاب به آن پرداخته شده، با توجه به این موضوع و اینکه در ۴۰ سال گذشته در بحث هایی چون انقلاب، تثبیت نظام، بحران، مبارزه با ترور، دفاع مقدس، جهاد سازندگی، پیشرفت های علمی، هوا فضا، علو پزشکی نوین، امنیت، مسائل نظامی و... همیشه نقش اساسی بر عهده ی جوانان بوده است مساله ای با نام "جوان گرایی مدیریتی" در گام دوم ظهور کرده است.

یکی از مشکلات عمده کشور میدان داری افراد خسته در صحنه، که اهل نوآوری و کار جهادی نیستند، می باشد لذا وقتی در راس یک سازمان نشاط و نوآوری نباشد بدنه آن دچار رخوت و سستی میشود. افراد پا به سن گذاشته ای که بر سر مسئولیت پست های اجرایی همچنان مصر اند و شاید مرگ تنها راه جدایی آنان از بدنه ی دولت باشد.

در این میان این بحث مطرح میشود که شاید بهتر است همانطور که گام

اول را جوانان پیش بردند در گام دوم نیز بر روی این گروه جمعیتی سرمایه گذاری کرد گروهی که محافظه کاری کمتر و روحیه ی جهادی و خدمت بیشتر است که این مهم، خود نیازمند اعتماد به جوان، میدان دادن به او، و رعایت ظرافت در بیان و استدلال در کار کردن با این قشر از سوی مسئولی است.

البته باید به این موضوع هم دقت کرد که متأسفانه گروه های سیاسی همواره به موضوعات اساسی کشور نگاه "صفر و صد" و "سیاه و سفید" دارند، صفر و صد نگاه کردن به این اصل مهم در گام دوم باعث دوری از بطن بهائیتی و راهبردی انقلاب خواهد شد به این شرح که نمیتوان در بعضی از موارد بدنه های مدیریتی مهم کشور را به یک جوان خام و بی تجربه سپرد بلکه باید شرایط را فراهم کرد تا پله های ترقی را در سنین جوانی به سرعت طی کند و بتواند در آینده ای نه چندان دور استاندار، معاون یا وزیر شود به گونه ای که اوضاع کنونی کشور که عملاً بدنه ی اجرایی کشور در یک حلقه قرار گرفته که اگر مرگ هم عده ای را جدا کند نسل های دوم و سوم و چهارم در انتظار هستند به صورت بنیادی تغییر کنند

نشریه افق

شماره سی و دوم - ۲۶ فروردین ماه ۱۳۹۸

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی تهران

مدیر مسئول: امیرحسین رسولی

سرپرست: محمدحسین صالح نژاد / معاون سردبیر: ثنا اکبری

کانال نشریه در پیام رسان بله:

@ofoghtums

درگاه ارتباطی: آیدی در پیام رسان بله @ofoghtums_admin

لطفا پیشنهادات و انتقادات خود را برای ما ارسال نمایید. همچنین دغدغه های خود را با ما در میان بگذارید



بیانیه #گام دوم - انقلاب خطاب به ملت ایران
به ویژه جوانان

